



تجمعات سراسری معلمان، شکستی برای حکومت بود

صفحه ۲

راه حل در دست مردم منطقه است!

بیانیه درمورد دخالت نظامی مستقیم روسیه در سوریه و پیامدهای آن

قدرت برتر و هژمونیک در منطقه و در کل جهان. با این اقدام ناسیونالیسم عظمت طلب روس قصد دارد در خلاء قدرتی که به علت شکست استراتژی هژمونی طلبانه میلیتاریستی آمریکا و متحدینش ایجاد شده است ابتکار عمل را در شرایط

جهت دفاع و حفظ حکومت اسد و علیه نیروهای طرفدار غرب اعلام میکنند اما اهداف دولت روسیه از چارچوب شرایط جاری در منطقه و حتی بود و نبود حکومت اسد فراتر میروند. این در واقع اقدامی است در جهت ایفای نقش و تثبیت موقعیت روسیه بعنوان یک

دخالت نظامی مستقیم روسیه در سوریه آغازگر دوره جدیدی نه تنها در منطقه بلکه در سیاست بین المللی است. دولت روسیه هدف این حمله نظامی را مقابله با داعش و نیروهای تروریستی اعلام کرده است و دولت آمریکا و نیروهای ناتو حمله روسیه را اقدامی در

صفحه ۲

ناسیونالیسم عظمت طلب روس

و بحران سوریه

مصاحبه با حمید تقوائی

در مورد مداخله نظامی روسیه در جنگ سوریه

صفحه ۴



اعتصابات کارکنان و معلمان در شهرهای کردستان عراق

نسان نودینیان

صفحه ۹

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۶۲۹

جمعه ۱۷ مهر ۱۳۹۴، ۹ اکتبر ۲۰۱۵

یادداشت‌های هفته

همید تقوائی

از فتوای قتل سلمان رشدی تا تحریم نمایشگاه کتاب!

فلج اقتصادی ایران: چرا کوه موش زانید؟

"اشتباه" مشترک آمریکا و روسیه!

صفحه ۵

مبارزات درخشان معلمان

در این هفته

شهلا دانشفر

صفحه ۳

کارنامه عملی دولت وحدت ملی

در افغانستان

سیامک بهاری

صفحه ۸

چه کسی از نمایشگاه کتاب

فرانکفورت باید اخراج شود؟

سلمان رشدی یا جمهوری اسلامی؟

اصغر کریمی

صفحه ۷

تجمعات سراسری معلمان، شکستی برای حکومت بود



درسی پاک شود.

حزب کمونیست کارگری به معلمان آزاده، به سازماندهندگان و فعالین مبارزات معلمان درود میفرستد و همه جانبه از مبارزه حق طلبانه آنها حمایت میکند و کلیه کارگران و مردم زحمتکش و حق طلب را به حمایت از خواست ها و مبارزات معلمان فرامیخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۶ مهر ۱۳۹۴، ۸ اکتبر ۲۰۱۵

و عمیق است که با دستگیری و تهدید از بین نمرود. خواست های معلمان باید فوراً متحقق شود. به حقوق های زیر خط فقر باید پایان داده شود، معلمان زندانی باید آزاد شوند و حق تشکل و اعتراض به رسمیت شناخته شود، تحصیل باید برای همه مردم در سطوح مختلف تحصیلی رایگان باشد و مدارس باید به مکانی امن، شاد، خلاق و سازنده برای کودکان تبدیل شود. بساط آخوند و مسجد باید از مدارس برچیده شود و مذهب و هر نوع خرافه ای از کتاب های

زیر بار نرفتند. تجمع اعلام شده برگزار شد و در هیچ کجا علیرغم فضای امنیتی شدیدی که در همه شهرها حاکم کرده بودند، نتوانستند مانع تجمع معلمان شوند. در برخی شهرها خانواده های معلمان و خانواده های دانش آموزان در تجمعات شرکت کردند تا حمایت خود را از خواست های معلمان ابراز کنند.

معلمان در بسیاری از شهرها اعلام کردند تا به مطالبات آنها پاسخ داده نشود، اعتراضات ادامه خواهد یافت. سال تحصیلی جدید شروع شده و هیچ چیز مانع تداوم مبارزه معلمان نخواهد شد. مبارزات سالهای گذشته و بطور مشخص مبارزه ای که از روزهای آخر دیماه سال قبل شروع شده، معلمان را آبلیده کرده و صدها معلم جوان را به جلو صحنه آورده است. معلمان با ابتکارات مختلف خود را سازمان میدهند و جمع های خود را از جمله به شکل راهپیمایی روزهای جمعه برای همفکری حول تداوم مبارزه برگزار میکنند. این تحرکی است که در سراسر کشور در میان معلمان ریشه دوانده و چنان گسترده

مشخص باقی، باغانی، عبدی، بهشتی و هاشمی شدند. گفتند جای معلم زندان نیست، فضای امنیتی باید از آموزش و پرورش حذف شود، به سرکوب معلمان و تشکل هایشان باید پایان داده شود، خواهان تحصیل رایگان شدند، به حقوق زیر خط فقر اعتراض کردند و از زوایای مختلف سیستم آموزش و پرورش را زیر سوال بردند.

در هفته های گذشته جمهوری اسلامی تعدادی از مسئولین کانون صنفی معلمان را دستگیر کرد تا معلمان را مرعوب کند و جلو تجمعات آنها را بگیرد. این فشارها و انواع تهدیدها باعث شد تجمع معلمان که قرار بود روز ۱۳ مهر برگزار شود، سه روز عقب بیفتد اما تجمعات لغو نشد و فراخوان تجمع سراسری در روز پنجشنبه ۱۶ مهر از جانب معلمان اعلام شد. جمهوری اسلامی روز دوشنبه ۱۲ مهر ۲۵ نفر از فعالین معلمان را که در جلسه ای مشغول بحث و تبادل نظر درمورد نحوه برگزاری تجمع بودند، دستگیر کرد و آنها را تحت فشار گذاشت که فراخوان تجمع در روز ۱۶ مهر لغو شود اما معلمان بازداشتی

علیرغم جو امنیتی سنگین، علیرغم تهدید و بازداشت دهها نفر از فعالین معلمان، امروز معلمان در بسیاری از شهرها در مقابل ادارات آموزش و پرورش دست به تجمع زده و بر مطالبات خود پافشاری کردند. جمهوری اسلامی همه تلاشش را برای جلوگیری از تجمع امروز بکار برد اما این تلاشها ناکام ماند. صرفنظر از اینکه تعداد معلمان شرکت کننده در تظاهرات امروز چه تعداد بود، تجمع امروز آنها يك موفقیت برای آنها و شکستی سیاسی برای حکومت محسوب میشود.

تهران، مشهد، اهواز، سنندج، همدان، بوشهر، قزوین، رشت، کرج، گرگان، مریوان، سقز، تربت حیدریه و دلجان از جمله شهرهایی است که امروز در آنها تجمعات اعتراضی معلمان برگزار شد. در این تجمعات پلاکاردهای متعددی حاوی خواست های معلمان و اعتراض آنها به دولت در دست معلمان بود. معلمان قطعنامه خواندند و سخنرانی کردند و اعتراض خود را به آموزش و پرورش و حکومت بیان کردند. خواهان آزادی معلمان زندانی و بطور

راه حل در دست مردم منطقه است!

بیانیه درمورد دخالت نظامی مستقیم روسیه در سوریه و پیامدهای آن

کردستان عراق علیه دولت اقلیمی و در جنبش مداوم و پیگیر مردم ایران علیه حکومت و قوانین اسلامی به اهتزاز درآمده است. حزب کمونیست کارگری همه نیروهای سکولار، چپ و آزادیخواه در منطقه و در سراسر جهان را به حمایت فعال از اعتراضات و مبارزات جاری مردم منطقه علیه نیروها و دولتهای اسلامی و دولتهای حامی آنها فرامیخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۵ مهر ۱۳۹۴، ۷ اکتبر ۲۰۱۵

تروریستی علیه نیروهای رقیب، و گسترش فضای نظامی در منطقه خاورمیانه است. از دیدگاه توده مردم و بشریت آزادیخواه راه حل بحران سوریه جمع کردن بساط دولتهای قومی - مذهبی و نیروهای رنگانگ اسلامی و کوتاه کردن دست دولتهای غربی و دولت روسیه از منطقه است. پرچم این جنبش هم اکنون در اعتراضات توده ای مردم عراق علیه دولت و نیروهای اسلامی در آن کشور، در اعتراضات سکولاریستی مردم کردستان سوریه و لبنان و ترکیه، در اعتراضات مردم

ابراز نگرانی و اخطار و تبلیغات علیه حمله نظامی روسیه بوده است. ممکن است این موضعگیریها شدیدتر و خصمانه تر بشود اما اردوگاه غرب در موقعیتی نیست که به مقابله نظامی مستقیم با روسیه دست بزند. پاسخ دولت آمریکا به حمله روسیه، اعمال فشارهای دیپلماتیک و اقتصادی به روسیه و تشدید دخالتگری های نظامی جاری در سوریه و تقویت نظامی بلوک متحدهش خواهد بود. در هر حال یک نتیجه این اوضاع امکان و خطر گسترش جنگهای نیابتی، تشدید عملیات و اقدامات

نابود کرده است. در نزد توده مردم و افکار عمومی جهانی تشدید تخصصات و کشتارها در سوریه موجب رسوائی و انزوی هر چه بیشتر دولتهای حامی رژیم اسد خواهد شد. این دولتها، در کنار دولت آمریکا و نیروهای تحت حمایتش، تا کنون جزء عوامل اصلی شکل دهنده به شرایط فاجعه بار سوریه و کشتار و آوارگی مردم بوده اند و دخالت نظامی آنها بی شک این شرایط را تیره تر و وخیم تر خواهد کرد.

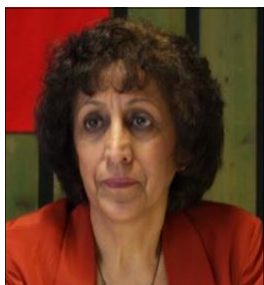
در مقابل اقدام نظامی روسیه، عکس العمل دولت آمریکا و نیروهای ناتو تا کنون

آشفته خاورمیانه بدست بگیرد و به وزنه تعیین کننده ای در صف آرایی و بلوک بندی های منطقه ای تبدیل بشود.

در سطح تاکتیکی و تاثیر بر شرایط جاری حرکت اخیر دولت روسیه میتواند موقعیت دولت بشار اسد و نیروهای حامی او در ایران، سوریه و عراق را در مقابل قطب غرب تقویت کند. اما موفقیت یا برون رفت آنها از بحران سوریه را تسریع نخواهد کرد. این وضعیت به معنای مزمن شدن و گسترش دامنه فاجعه سوریه خواهد بود که تاکنون در ابعادی هولناک زندگی مردم را

مبارزات درخشان معلمان در این هفته

شهلا دانشفر



نرسیده اند، و تا همکاران دربندشان را از زندان رها نسازند مبارزاتشان ادامه خواهد داشت. برای این که صف این مبارزات را پرکننده نسازند و نتوانند در هم بشکنند، یک گام مهم حفظ طبقه‌های مبارزاتی در میثای اجتماعی به عنوان ابزاری برای حفظ اتحاد و بسیج و دخالتگری توده هر چه بیشتری از معلمان و پیگیری خواسته‌ها و اعتراضاتشان است. با وجود چنین سطحی از دخالت و اتحاد و همبستگی است که در عین حال میشود جلوی سازشکاری‌ها و تلاش برای کشاندن مبارزات معلمان بدنبال جناحهای حکومتی و فرستادن معلمان بدنبال توهّمات پوچ "دولت تدبیر و امید" را گرفت. توجه به این جنبه‌ها مهم است. چون همین مدت در بیانیه‌های کانون صنفی و در لابلای کلماتش به اشکال مختلف رد پای گریشات راست و سازشکار را تحت عناوین "امید به دولت تدبیر و امید"، "ممانعت از اخلاص و تعطیلی کلاس"، "اوضاع خظیر بعد توقافات هسته ای و جلوگیری از سوء استفاده ضد انقلاب خارج" و غیره را بارها دیده ایم. این عبارات به معلمان تعلق ندارد. مبارزات شجاعانه و به پیش معلمان بی ربطی این گونه گریشات عقب مانده و ارتجاعی را به روشنی نشان داده است. معلمان با اعتراضات متحد و یکپارچه خود و با شعار اتحاد اتحاد معلم اتحاد، زندانی سیاسی آزاد باید گردد از همه این‌ها عبور کرده اند.

زنده باد معلمان

رفع تبعیض قرار دارد. بعلاوه معلمان در قطعنامه‌ها و در اعتراضاتشان بر خواسته‌های دیگری چون کلاسهای درس با تعداد مناسب دانش آموز، ارتقای سطح آموزش و اختصاص بودجه لازم جهت بهبود امکانات آموزشی، از بین رفتن آموزش طبقاتی و تقسیم مدارس به خصوصی و دولتی، بازسازی و بهبود سازی مدارس به لحاظ ایمنی، و غیره و غیره تاکید گذاشته اند. اینها همه خواسته‌های کل جامعه است و این خود زمینه جلب بیشترین همبستگی اجتماعی را از مبارزات معلمان فراهم میکند. یک قدم مهم در مقابل معلمان جلب همبستگی وسیع مردم است و انتظار میرود که مبارزات معلمان مورد بیشترین همبستگی از سوی مردم و خصوصاً خانواده‌های دانش آموزان قرار گیرد. نزدیک به یکسال است که معلمان در تجمع و اعتراضند و این اعتراضات بطور واقعی نقش مهمی در تغییر توازن قوای جامعه داشته و در پیچه‌امیدی برای مردم شده است. اکنون سرها بطرف معلمان بعنوان بخشی از طبقه کارگر خم شده است. تجمعات سراسری معلمان، سازمانیابی مبارزاتشان بصورت گروههای مبارزاتی در میثای اجتماعی و تصمیم گیری جمعی و متحدانه آنها و اطلاع رسانی وسیعشان در سطح جامعه از این طریق، و نیز جلو آوردن خواسته‌هایی سراسری چون تحصیل رایگان که خواسته‌های کل جامعه را نمایندگی میکند همه و همه نقطه قوت‌های این مبارزات است. نقطه قوت‌هایی که در مقابل کل جامعه راه نشان میدهد.

اما گامهای بعدی چیست؟

معلمان تا به خواسته‌هایشان

شاهد گسترش تجمعات اعتراضی در مقابل زندانها برای آزادی زندانیان سیاسی بوده ایم و اکنون برپایی تجمعات اعتراضی گسترده با ابعادی که در ۱۶ مهر از سوی معلمان شاهدش بودیم، گامی به جلو در این عرصه از مبارزه و یک پیشروی مهم برای کل جامعه است. یک جنبه مهم دیگر مبارزات معلمان در این هفته پیامهای همبستگی از درون زندانها با فراخوان پیوستن به تجمعات معلمان در روز جهانی معلم بود. از جمله جمع‌هایی از زندانیان در زندانهای تهران و کرج و بند دو دارالقرآن به مناسبت این روز پیام دادند و همبستگی خود را از خواسته‌های معلمان و مبارزاتشان اعلام داشتند. در لیست این امضاها اسامی معلمان زندانی چون رسول باقی، علی اکبر باغانی، علیرضا هاشمی، عبدالرضا قنبری و چهره‌ای چون بهنام ابراهیم زاده را می بینیم. و در همان روز ۱۳ مهر معلمان بند شماره هشت زندان اوین حدود ۴۰ نفر از زندانیان سیاسی به مناسبت روز جهانی معلم جمع شدند و سخنران اسماعیل عبدی دبیر کل کانون صنفی معلمان بود.

مبارزات معلمان بطور واقعی مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی را گامی به جلو برد. بدین ترتیب امروز معلمان با بلند کردن خواسته‌هایی سراسری در جلوی صف اعتراض جامعه به حرکت در آمده اند. مبارزات معلمان ادامه دارد و این را در واقع با قطعنامه‌های پایانی تجمعات اعتراضی روز ۱۶ مهر اعلام داشتند. خواست اول معلمان آزادی فوری همکاران دربندشان اسماعیل عبدی، علی اکبر باغانی، محمود بهشتی، علیرضا هاشمی و عبدالرضا قنبری و پایان دادن به سرکوب‌ها و فضای امنیتی در آموزش و پرورش است. همچنین معلمان که اساساً در اعتراض به حقوقهای زیر خط فقر و بی‌تامینی خود و وضع ناپسامان آموزش و پرورش به اعتراض برخاسته اند، خواسته‌هایی دارند که در راس آنها افزایش حقوقها به رقیمی بالای خط فقر و تحصیل رایگان و

کنند. اما معلمان از تمام این‌ها عبور کردند و در این روز تجمعات گسترده با شعارهای پرطنین خود را بر پا کردند و خواسته‌هایشان را فریاد زدند.

در ۱۶ مهر معلمان در شهرهای تهران، سقز، سنندج، مریوان، همدان، مازندران، مشهد، تربت حیدریه، کرمانشاه تهران، اهواز، بوشهر، قزوین، رشت، کرج، تربت حیدریه و دلیجان و بسیاری از شهرها و استانهای دیگر تجمعاتی به مناسبت روز جهانی معلم برگزار کردند. از جمله در تجمع معلمان در مشهد طنین شعارهای معلم زندانی آزاد باید گردد، اتحاد اتحاد اتحاد، وزیر بی‌لیاقت، استعفا، استعفا فضای پرشوری برپا کرده بود.

تجمعات ۱۶ مهر، تجمعات سکوت نبود. تجمعات اعتراض و کف زدن برای قطعنامه‌هایی بود که توسط معلمان زن و مرد برای جمعیت خوانده میشد و این قطعنامه‌ها اعلام صریح پیگیری خواسته‌ها و تداوم مبارزات معلمان بود.

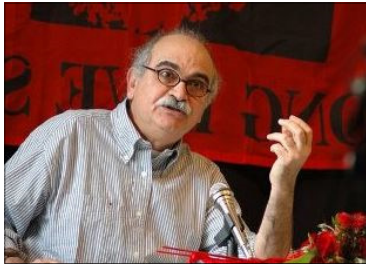
تجمعات ۱۶ مهر چهارمین دور تجمعات سراسری معلمان در ده ماه اخیر بود. اگر در تجمعات اعتراضی قبلی دو شعار افزایش دستمزد به رقیمی بالای خط فقر و تحصیل رایگان بود که درخشش داشت و خواسته‌های کل جامعه را بیان میکرد، در تجمعات ۱۶ آذر فریاد معلم زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد، بیانگر نقطه عطف دیگری در مبارزات معلمان و کل جامعه بود.

با مبارزات معلمان بطور واقعی مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی در سطح جامعه وارد فاز جدیدی شده است. معلمان با کارزاری وسیع، از جمله تشکیل صندوق‌های همبستگی مالی با همکاران دربندشان، با سرزدن به خانواده‌هایشان به نشانه همبستگی مبارزاتی با معلمان زندانی، و با تجمعات اعتراضی خود اشکال به پیشی از مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی را در مقابل جامعه قرار دادند. بویژه در ماههای اخیر ما

این هفته، هفته درخشش اعتراضات معلمان بود. تیر ماه گذشته معلمان اولتیماتوم داده بودند که اگر خواسته‌هایشان پاسخ نگیرد و اگر همکاران دربندشان آزاد نشوند، ۱۳ مهر روز جهانی معلم در سطحی سراسری تجمع خواهند کرد و پیگیری خواسته‌هایشان خواهند شد. و در این هفته معلمان در ادامه مبارزاتشان به خیابان آمدند و با مبارزات با شکوه خود بار دیگر تمام توجه‌ها را به طرف خود کشاندند و علیرغم تهدیدها و احضارها شروع سال تحصیلی را با مبارزات خود رقم زدند. اعتراضات معلمان تا همینجا بر کل فضای جامعه تأثیرات عمیق خود را گذاشته است. سوال اینست که گام‌های بعدی چگونه باید برداشته شود؟ بگذارید ابتدا بطور خلاصه نگاهی به حرکت این هفته معلمان داشته باشیم:

روز ۱۳ مهر علیرغم اینکه شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان تحت عنوان نشان دادن "حسن نیت" و "ممانعت از تعطیلی کلاسهای درس و اخلاص در امر آموزش" و غیره تجمع در این روز را سه روز به تعویق انداخته بود، اما از سوی جمع‌هایی از معلمان در شهرهای تهران، رشت، همدان، ایلام، همدان تجمعاتی برپا شد. از جمله در تجمع تهران شاهد سخنرانی پرشور خانم پاکروان مادر ریحانه جبیری بودیم که به جمع معلمان پیوسته بود. سخنرانی او با احساسات پرشور معلمان همراه شد. در این تجمع شعارهای معلم زندانی، آزاد باید گردد، جای معلم در زندان نیست، معلم، کارگر، دانشجو، اتحاد اتحاد، بر فضای مقابل آموزش و پرورش در تهران طنین انداخت. فراخوان "شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان" به تجمع برای ۱۶ مهر و فراخوان به "تجمع سکوت" بود. آنها به صد بار قسم خوردن به اینکه حرکت "کاملاً صنفی" است و نباید سیاسی شود. و به این شکل تلاش کردند تا سیاست سازشکارانه خود را جاری





ناسیونالیسم عظمت طلب روس و بحران سوریه

مصاحبه با حمید تقوایی در مورد مداخله نظامی روسیه در جنگ سوریه

روسیه حلقه دیگری در ادامه همین سیاست است. این تحول به احتمال زیاد به دسته بندیها و یارگیریهای تازه ای این بار حول دو قطبی آمریکا - روسیه منجر خواهد شد.

انترناسیونال: آیا این به معنای آغاز دور تازه ای از جنگ سرد و شکل گیری بلوک کمپ شرق در برابر غرب است؟

حمید تقوایی: گرچه چنین به نظر میرسد که به یک نوع تقسیم بندی پرو روسی - پرو آمریکائی در خاورمیانه نزدیک میشویم ولی به عقیده من این صرفاً یک شباهت فرمال است. از نظر اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیک هیچیک از شرایط دوران جنگ سرد امروز وجود خارجی ندارد. کمپ شوروی حول یک مدل اقتصادی - مدل سرمایه داری دولتی و راه رشد غیر سرمایه داری برای کشورهای جهان سومی پرو روسی - و یک دکترین و ایدئولوژی ناسیونالیستی عظمت طلبانه تحت نام کمونیسم شکل گرفته بود و مشخصاً بعد از جنگ دوم عملاً تقریباً همه کشورهای جهان بین این دو بلوک تقسیم شده بودند. روسیه امروز از هیچ نظر نمیتواند شرایط کمپ شوروی و ابر قدرتی اش در آن دوره را احیا کند. روسیه نه از نظر اقتصادی و نه ایدئولوژیک قادر به احیای گذشته نیست و از نظر سیاسی هم همانقدر میتواند مدعی ایفای نقش در عرصه جهانی باشد که مثل هر کشور دیگری بنیه نظامی و اقتصادی اش اجازه میدهد.

در قطب مقابل، کمپ غرب نیز کاملاً انسجام گذشته خود را از دست داده است. علت وجودی

سنتا پرو آمریکائی نظیر عربستان و مصر و امارات و حتی دولت ترکیه که عضو ناتو است، تماماً از سیاستهای غرب تبعیت نمیکند و هر یک وارد بلوکبندیهای تازه ای شده اند که لزوماً در چارچوب سیاستهای آمریکا نمیکند. ظهور و قدرگیری داعش، که به نظر من نتیجه مستقیم شکست سیاستهای میلیتاریستی آمریکاست، و موضعگیری قدرتهای منطقه در برخورد به داعش امروز به یک معیار و شاخص دسته بندیهای منطقه ای تبدیل شده است که دیگر با قبطبندی "تروریسم اسلامی در برابر غرب" منطبق نیست. بلوک ترکیه - عربستان - امارات - داعش از یکسو و کمپ جمهوری اسلامی - رژیم اسد - حزب الله از سوی دیگر را دیگر نمیتوان با تعلق به کمپ غرب و یا به کمپ اسلام سیاسی توضیح داد. این رقابتها در چارچوب استراتژی هژمونی طلبی آمریکا از طریق مقابله با تروریسم اسلامی صورت نمیگیرد، بلکه مضمون و هدف سیاسی آن رقابت دولتهای منطقه بر سر کسب برتری و تبدیل شدن به قدرت فائده منطقه ای است. دولت آمریکا و متحدین غربی اش نیز تلاش میکنند اهداف سیاسی خود را از طریق این بلوکها به پیش ببرند - آنچه در فرهنگ سیاسی آمریکا اصطلاحاً *leading from behind* نامیده میشود.

روسیه نیز در چند سال اخیر، مشخصاً با شروع جنبش توده ای در سوریه علیه اسد در سال ۲۰۱۱، پا بمیدان گذاشته و بعنوان یک نیروی تعیین کننده در حفظ رژیم اسد نقش ایفا کرده است. دخالت نظامی اخیر

سکولاریستی و ضد مذهبی در خاورمیانه و در غرب بود. این تغییر و تحولات باعث شد که دولت آمریکا نه تنها قادر به تثبیت هژمونی جهانی اش نباشد بلکه به موقعیتی بر مراتب ضعیف تر از دوره جنگ سرد رانده شود. شکل گیری نیروی نظیر داعش و بلوکبندی های حاضر میان نیروها و دولتهای اسلامی در منطقه همان اندازه حاصل سیاست میلیتاریستی آمریکا است که نتیجه نافرجامی و شکست این سیاست.

بر متن چنین شرایطی بورژوازی روس که توانسته بود به وضعیت داخلی خود سر و سامان بدهد و حتی از نظر رشد اقتصادی بعنوان یک عضو بلوک اقتصادی "RICS" - برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی - کارنامه مثبتی داشته باشد، دوباره به صحنه سیاست بین الملل بازگشت. این بار البته نه در لباس کمونیسم و سوسیالیسم بلکه تحت نام واقعی آنچه در این لباس پنهان شده بود یعنی ناسیونالیسم عظمت طلب روس. دخالت نظامی در بحران اوکراین، الحاق مجدد کریمه، حمایت سیاسی و نظامی از رژیم اسد و اکنون دخالت نظامی مستقیم در سوریه از جمله نتایج بازگشت روسیه به صحنه جهان پس از جنگ سرد است.

تا آنجا که به خاورمیانه مربوط میشود لشگرکشی های آمریکا، نافرجامی این سیاست و تضعیف موقعیت آمریکا در منطقه به بلوکبندی های تازه ای در منطقه شکل داده است که هر یک بدنبال تثبیت موقعیت خود در خلاء قدرت ناشی از ضعف آمریکا هستند. حتی دولتهای

اسلامی که در اواخر دوره جنگ سرد بوسیله خود آمریکا و متحدینش علیه شوروی شکل گرفته و تقویت شده بودند - مشخصاً سازمان دادن طالبان در افغانستان و بجلو راندن و لانس کردن خمینی در ایران - به موقعیت دشمن جدید اردوگاه غرب رانده شدند، "امپراتوری شر" ادعائی ریگان جای خود را به "محور شر" بوش داد، و به این ترتیب آمریکا و کمپ غرب - که در غیاب کمپ شرق علت وجودی و موضوعیت خود را از دست میداد - دشمن تازه ای برای تثبیت موقعیت خود یافت. اما تحولات منطقه ای و جهانی طبق نقشه و سناریوی مطلوب بورژوازی و هیات حاکمه آمریکا به پیش نرفت. به گل نشستن ماشین جنگی آمریکا و متحدینش در عراق و افغانستان و شکل گیری و عروج نیروهای رنگارنگ اسلامی در خاورمیانه و شمال آفریقا، فروپاشی وال استریت در زمستان ۲۰۰۸ و ورشکستگی و بی اعتباری فریدمنیسم و مکتب شیکاگو، و کلاً به آخر خط رسیدن تاجریسم و ریگانیسم و تضعیف و حاشیه ای شدن نوکنسراتیسمی که مدال پیروزی جنگ سرد را به سینه داشت، همه از جمله مهمترین تحولاتی بود که به شکست استراتژی میلیتاریستی آمریکا و متحدین غربی اش منجر شد. یک نتیجه دیگر این تحولات شکل گیری جنبش نود و نه در صدها و یک حرکت وسیع ضد ریاضت کشی - ضد کاپیتالیستی در غرب، سرنوشت دیکتاتورهای سنتی پرو غربی در نتیجه انقلابات موسوم به بهار عرب و نهایتاً سربلند کردن یک جنبش وسیع

انترناسیونال: در بیانیه ای که حزب در مورد مداخله نظامی روسیه در جنگ سوریه منتشر کرده است گفته شده روسیه صرفاً در پی حفظ حکومت اسد و ایفای نقش در چارچوب شرایط جاری در منطقه نیست بلکه هدف تثبیت قدرت و موقعیت خود بعنوان یک نیروی برتر در منطقه و در جهان را دنبال میکند. چه شرایط و عواملی باعث شده تا روسیه بدنبال چنین هدفی باشد؟

حمید تقوایی: بعد از فروپاشی دیوار برلین و اضمحلال شوروی و بلوک وابسته به او برای حدود یک دهه دولت روسیه با مسائل داخلی و مشکلات سیاسی - اقتصادی ناشی از گذار از سرمایه داری دولتی (در پوشش کمونیسم) به سرمایه داری عریان بازار آزاد درگیر بود و به این دلیل نقش چندانی در جهان پرتحول بعد از جنگ سرد نمیتوانست ایفا کند. در همین دوره دولت آمریکا برای تثبیت موقعیتش بعنوان تنها قطب و رهبر بلامنافذ دنیای پس از جنگ سرد سیاست هژمونی طلبی میلیتاریستی و قدرت نمایی نظامی را با اجرا گذاشت و کشورهای اروپایی را نیز بدنبال خود کشید. جنگ خلیج، هجوم نظامی به افغانستان و سپس به عراق و بجلوی صحنه رانده شدن اسلام سیاسی بعنوان دشمن غرب و افسارگسیختگی نیروهای اسلامی در خاورمیانه و در شمال آفریقا از نتایج این سیاست میلیتاریستی بود.

در این قدرت نمایی نظامی، برخلاف دوره جنگ سرد، قطب مقابل دیگر نه شوروی و کمپ شرق و خطر کمونیسم، بلکه جنبش اسلام سیاسی و خطر تروریسم اسلامی بود. نیروهای

یادداشت‌های هفته

حمید تقوایی

از فتوای قتل سلمان رشدی تا تحریم نمایشگاه کتاب!

جمهوری اسلامی نمایشگاه کتاب فرانکفورت را به دلیل سخنرانی سلمان رشدی در مراسم افتتاحیه آن تحریم کرده است. خبر مسرت بخشی است! سالهاست نیروهای چپ و سکولار و طرفدار آزادی بیان خواستار اخراج جمهوری اسلامی از نمایشگاه کتاب فرانکفورت بوده اند و اکنون فشار یک جنبش اجتماعی ضد مذهبی و طرفدار آزادی بی قید و شرط بیان تا حد نقد و هجو مذهب، که یک نقطه اوج آن جنبش عظیم "من چارلی هستم" در ژانویه امسال بود، جمهوری اسلامی را عملاً از نمایشگاه کتاب اخراج کرده است! نفس حضور سلمان رشدی در یک نمایشگاه کتاب اعلام میکند که سرکوبگران آزادی در مراسم و مناسبت‌های فرهنگی و ادبی بین المللی جایی ندارند!

این حاصل یک چرخش صد و هشتاد درجه ای در شرایط سیاسی دنیاست. سی سال قبل با صدور فتوای قتل سلمان رشدی او ناگزیر شد مخفی شود و در هیچ جا و در هیچ مناسبت و مراسمی حضور

علنی نداشته باشد و امروز حضور علنی او باعث شده است تا صادرکنندگان فرمان قتلش در مراسم‌های بین المللی حضور نداشته باشند! این یک دستاورد جنبش سکولاریستی و ضد مذهبی و جنبش دفاع از آزادی بیقید و شرط بیان است اما باید از این فراتر رفت. جمهوری اسلامی بخاطر صدور فرمان قتل یک نویسنده باید از کلیه نهادها و رویدادهای فرهنگی و ادبی در سراسر جهان اخراج شود. بحث صرفاً بر سر آزادی بیان نیست بلکه تعقیب و محاکمه رژیم است که نه تنها حکم قتل نویسندگان را صادر میکند بلکه تاکنون هزاران نفر را به "جرم" نقد اسلام و خرافات اسلامی بزدان انداخته و به جوخه اعدام سپرده است. تحریم نمایشگاه کتاب فرانکفورت میتواند و باید مقدمه تحریم ادبی و هنری و فرهنگی جمهوری اسلامی در سطح جهانی باشد.

۱۸ اکتبر ۱۵

"اشتباه" مشترک آمریکا و روسیه!

"استراتژی روسیه به نحو تأسف آوری ایراد دارد... آنها یک استراتژی اشتباه را دنبال میکنند".
وزیر دفاع آمریکا

استراتژی روسیه هر ایرادی داشته باشد وزیر دفاع آمریکا مقام ذیصلاحی برای این ایرادگیری نیست! مداخله نظامی روسیه بیش از آنکه نشاندهنده تقابل سیاسی آمریکا و روسیه باشد نزدیکی و مشابهت این سیاستها را برملا میکند. آمریکا به بهانه مقابله با تروریسم اسلامی به عراق حمله کرد و امروز روسیه به همین بهانه به مداخله نظامی در سوریه دست میزند، هدف استراتژیک دولت آمریکا تثبیت هژمونی و سرکردگی آن کشور در دوره بعد از جنگ سرد بود و دولت روسیه هم تثبیت قدرت خود در خاورمیانه را دنبال میکند. حتی از نظر شیوه پیشبرد این سیاست هژمونی طلبانه نیز تشابه زیادی بین این دو رقیب وجود دارد. اتکا به دولت‌ها و نیروهای قومی مذهبی در منطقه و شکل دادن به ائتلافها و بلوکبندیهای منطقه ای از این نیروها در خدمت اهداف و

سیاستهای خود. سیاستهای پوتین در واقع نسخه روسی بوشیسم است که بر زمینه شکست بوشیسم و نافرجامی سیاست میلیتاریسم نئوکنسرواتیستی آمریکا میدانی برای مانور و تعرض پیدا کرده است.

از دید مردم و جهان متملن "اشتباه" استراتژیک و سیاسی هر دو قطب در اینجاست که این سیاستها تا امروز بجز قدرت گیری و افسار گسیختگی نیروهای رنگارنگ اسلامی در منطقه، ویرانی و خانه خرابی و آوارگی میلیون‌ها مردم در سوریه و عراق و افغانستان و دیگر کشورهای اسلامزده، و از هم گسیختن مدنیت و شیرازه جامعه حاصلی نداشته است. عامل رفع این "اشتباه" نه دولتهای روسیه و آمریکا و نیروهای اسلامی موجد این شرایط، بلکه توده مردمی هستند که هم امروز در عراق و لبنان و تونس و ترکیه و کردستان سوریه، و ملتهاست در ایران، با پرچم ضدیت با دولتها و دارو دسته های اسلامی و دفاع از سکولاریسم و مدنیت بمیدان آمده اند.

۱۸ اکتبر ۱۵

فلج اقتصادی ایران: چرا کوه موش زائید؟

نفت و یا ناتوانی دولت در مبارزه با فساد است. خانه از پای بست ویران است. مساله واقعی تناقضی است که میان استراتژی و موجودیت سیاسی رژیم و ساختار اقتصادی که بر این مبنا شکل گرفته است با قوانین و روابط و مناسبات لازم برای برآه افتادن چرخ تولید و کارکرد و سودآوری متعارف سرمایه داری وجود دارد.

بلومبرگ نیز که یک آژانس خبری - اطلاعاتی اقتصادی بین المللی است عوامل "کنترل دولت بر بیش از ۷۰ درصد از اقتصاد"، "نظام حقوقی و قضایی که از نظر سرمایه گذاران خارجی نامطلوب است"، "دو نرخه بودن ارز در ایران" و "موانع فرهنگی" را چهار مانع عمده سرمایه گذاری در ایران میداند.

اما اینها موانع و عوارض سیستم اقتصادی در ایران نیستند، اجزای لازم آند. رفع این موانع تنها با نفی سیستم سیاسی - اقتصادی موجود امکان پذیر است! کنترل دولت یا به بیان دقیقتر کنترل سپاه و بسیج بر بیش از ۷۰ درصد اقتصاد، فرهنگ اسلامی و نظام حقوقی قضائی اسلامی، و حتی دورنرخه

بودن ارز همه از اجزای لازم حکومت اسلامی و اقتصاد مافیائی است که بر مبنای این "موانع" شکل گرفته است و برای سران بسیج و سپاه و بیت رهبری و باندهای متعدد حکومتی سودهای کلان و نجومی نیز به ارمغان آورده است. علت اصلی "رکود کهنسابقه، فلج کننده و بسیار خطرناک" در تحلیل نهائی نفس وجود نظامی به اسم جمهوری اسلامی است. تا جمهوری اسلامی بر سر کار است رفع تحریمها، عادی سازی روابط با غرب و هر تلاش دیگری برای اصلاح و مرمت وضعیت موجود، موش خواهد زائید!

۱۸ اکتبر ۱۵

چرا به رغم پایان موفقیت آمیز گفت وگوهای هسته ای و امضای «برنامه جامع اقدام مشترک»، اقتصاد ایران با چنین رکود عمیقی دست به گریبان است؟ مگر قرار نبود که با کنار رفتن این مانع سنگین، فضای روانی تازه ای برای فعالیت های اقتصادی در کشور به وجود بیاید؟ آیا کوه موش زائید؟ تحلیلگر اقتصادی بخش فارسی رادیو فرانسه

این اظهار تعجب از رکود عمیق اقتصاد ایران علیرغم توافق هسته ای و رفع تحریمها، یک موضوع داغ مورد بحث در محافل و رسانه ها و صاحب نظران اقتصادی است. این بحث ها بدنبال انتشار نامه هشدار آمیز چهار وزیر دولت روحانی در مورد رکود سنگین اقتصاد ایران در گرفته است. هشدار در این مورد است که "کشور با رکودی کم سابقه، فلج کننده و بسیار خطرناک دست به گریبان است" و تنها رفع تحریمها دردی را دوا نخواهد کرد.

علت چیست؟ در نامه وزیران و بحثهای پیرامون آن از عواملی نظیر رشد اقتصادی نزدیک به صفر، کاهش شدید بهای نفت، عدم توافق "کانون های قدرتمند" نظام جمهوری اسلامی با "دیپلماسی اقتصادی" روحانی، ناتوانی دولت در "اصلاح نظام به شدت معیوب بانکی و مبارزه با فساد"، و نظایر آن بعنوان دلایل وضعیت اسفبار اقتصادی در ایران نام برده شده است. بی شک چنین فاکتورهائی در رکود فلج کننده اقتصاد ایران موثر بوده اند اما حتی همین لیست دلایل نیز نشان میدهد مساله عمیق تر و پایه ای تر از کاهش بهای

ناسیونالیسم عظمت طلب روس و بحران سوریه

از صفحه ۴

اردوگاه غرب مقابله با بلوک شوروی بود و با اضمحلال این بلوک، کمپ غرب نیز موضوعیت خود را از دست داد. امروز اروپای واحد و ناتو و کشورهای آسیائی و آفریقائی سابقا متعلق به اردوگاه غرب همجهتی استراتژیک و اتحاد و همراهی عملی و تاکتیکی خود را از دست داده اند و وارد یارگیریها و دسته بندیهای جدیدی شده اند که دیگر به هیچ وجه و از هیچ نظر ضد روسی و یا پرو آمریکائی بودن شاخص آن نیست. در این میان نیروهای باندسیاهی زائیده شرایط پس از جنگ سرد، دولتها و نیروهای قومی مذهبی در خاورمیانه و آفریقا و حتی در خود اروپا، به فاکتور سیاسی تازه ای در کشمکش و رقابتهای جهانی و منطقه ای تبدیل شده اند. تلاش روسیه برای بازگشت به سیاست بین الملل که اساسا در خاورمیانه و با اتکا به این نیروهای باند سیاهی صورت میگیرد، نهایتا برای جبران شکستی است که فروپاشی دیوار برلین به موقعیت روسیه وارد کرد. برای بورژوازی عظمت طلب روس فروپاشی شوروی گرچه قید و بندهای ایدئولوژیک - اقتصادی را از دست و پای سرمایه روسی باز کرد اما از نظر سیاسی روسیه را از موقعیت یک ابر قدرت به ته صف جهان سرمایه داری راند. از نقطه نظر ناسیونالیسم روس از هم پاشیده شدن بلوک شوروی، نظیر شکست آلمان در جنگ اول برای بورژوازی آن کشور، یک تحقیق و مذلّت تاریخی محسوب میشد که باید به هر نحوی جبران بشود. آلمان با عروج نازیسم و هیتلر این تحقیر را جبران کرد و در روسیه امروز این نقش را پوتین بعهدہ گرفته است. پوتین، مقام ارشد کا گ ب در دوره برژنف و رئیس جمهور امروز روسیه و در هر دو موقعیت نماینده ناسیونالیسم عظمت طلب روسیه است که به

گفته خودش فروپاشی دیوار برلین را بدترین فاجعه تاریخ معاصر میدانند و قصد دارد با فعال شدن در مقابل آمریکا و دیگر رقبای اروپائی لااقل موقعیت خود را در کشورهای هم مرز و نزدیک با روسیه - نظیر اوکراین و کشورهای منطقه خاورمیانه - تقویت و تثبیت نماید. در این تلاش برای بازگشت به عرصه جهانی تنها تفاوت بین روسیه و دیگر کشورهای صنعتی سابقه ابر قدرتی شوروی است که به روسیه امروز موقعیتی نسبتا متفاوت از دیگر کشورهای اروپائی میبخشد.

انترناسیونال:
جمهوریخواهان و مشخصا پس از اقدام نظامی روسیه جان مک کین که یک سناتور جمهوریخواه سنگین وزن در سیاست آمریکا است دولت اوپاما را به نداشتن استراتژی در خاورمیانه متهم میکنند. به نظر شما آیا واقعا دولت آمریکا فاقد استراتژی است؟

حمید تقوائی: به نظر من هم بعد از شکست بوشیسم و پیروزی انتخابات اوپاما هیات حاکمه آمریکا استراتژی خود را گم کرده است و در برخورد به تحولات مورد بمورد و مقطعی تصمیم میگیرد و عمل میکند اما این امر برخلاف ادعای جمهوریخواهان ناشی از بی درایتی و یا ناتوانی اوپاما و دولت او نیست بلکه از موقعیت عینی آمریکا در شرایط دنیای امروز ناشی میشود. اگر بجای اوپاما دیک چینی هم به رئیس جمهوری میرسید کار چندان متفاوتی نمیتوانست انجام بدهد. اوپاما در مقطع ریزش وال استریت، بر متن بحران و بن بست ریگانیسم و نشو کنسرواتیسم و فریدمنیسم، بی حاصلی حضور نظامی ارتش آمریکا در عراق و افغانستان، و گسترش قدرت و نفوذ نیروهای اسلامی در منطقه خاورمیانه و در شمال آفریقا به ریاست

جمهوری رسید. شکست بوش و موفقیت اوپاما، برخلاف دیگر انتخاباتهای آمریکا، صرفا ناشی از سرخوردگی مردم از یک حزب حکومتی و روی آوری به حزب دیگر نبود، بلکه از بحران و بن بست همه جانبه کل بورژوازی آمریکا، و کل جهان، نشات میگرفت. در چنین شرایطی اوپاما با شعار تغییر روی کار آمد و در اولین قدم خطاب به نیروهای اسلامی که بوش محور شر نامیده و بدنیا هشدار داده بود "یا با آنها هستید و یا با ما"، اعلام کرد: "مشتان گره کرده تان را باز کنید تا باهم دست بدهیم". این سیاست جدید نه بخاطر دیپلمات و صلحجو شدن هیات حاکمه آمریکا بلکه اساسا بخاطر از کار افتادگی "مشت ها" ی آمریکا بود! البته در دوره اوپاما هم دولت آمریکا همچنان سیاست تامین هژمونی و قدر قدرتی خود، یا بقول همه رئیس جمهورها و سیاستمداران آن کشور "رهبری جهان آزاد"، را دنبال میکنند ولی توان و بضاعت اقتصادی و نظامی تحقق این امر را ندارد. به همین دلیل ناگزیر است در قبال تحولات جهان - از انقلابات بهار عرب تا مساله اوکراین و تا مساله سوریه و حتی تنظیم روابط با متحدین اروپائی اش - بطور مقطعی و موردی برخورد کند و عکس العمل نشان بدهد. این برخورد موردی و مقطعی را مشخصا در برخورد به داعش، به دولت مالکی در عراق و امروز در قبال دولت عبادی، در قبال جمهوری اسلامی و بویژه در قبال بشار اسد - که علیرغم رد شدن از خط قرمزهای آمریکا همچنان بر سر کار است -، شاهد هستیم. بر متن چنین شرایطی است که نیروها و دولتهای قومی مذهبی در خاورمیانه زمینه مساعدی برای مانور و پیگیری اهداف و منافع خود می بایند و دولت پوتین نیز امکان پیدا میکند در مقام حلال بحران خاورمیانه با نیروی ارتش اش بمیدان بیاید.

انترناسیونال: آیا به نظر شما اقدام نظامی روسیه رژیم اسد را تثبیت خواهد کرد؟

حمید تقوائی: روشن است دخالت نظامی روسیه در کوتاه مدت باعث تقویت رژیم اسد خواهد شد، اما نمیتواند باعث تثبیت این رژیم بشود. رژیم اسد به محور و کانون وضعیت فاجعه بار در سوریه، عامل آوارگی میلیونی مردم آن کشور که اکنون به مساله "بحران پناهندگی" برای دولتهای اروپائی بدل شده، و به عامل بلکوبندیهای دولتها و نیروهای اسلامی له و علیه این رژیم تبدیل شده است و این شرایط نهایتا به نفع روسیه و یا هر دولتی که بخواهد جای پای محکمی در خاورمیانه پیدا کند نیست. به نظر من تقویت رژیم اسد یک هدف مقطعی و محصول جانبی عملیات نظامی روسیه است و نه هدف غائی و استراتژیک آن. همانطور که بالاتر توضیح دادم روسیه در پی تثبیت موقعیت خود بعنوان یک قدرت منطقه ای است و در صورتی که بداند در سوریه بعد از اسد حرف آخر را خواهد زد در برکناری اسد تردیدی نخواهد کرد.

انترناسیونال: جمهوری اسلامی از ابتدا یک نیروی مدافع رژیم اسد بوده است. اقدام روسیه بر موقعیت جمهوری اسلامی در منطقه چه تاثیری خواهد داشت؟

حمید تقوائی: ورود نظامی روسیه به صحنه تاثیر دو گانه ای بر موقعیت جمهوری اسلامی دارد. از یکسو موقعیت منطقه ای حکومت بعنوان جزئی از بلوک مدافع رژیم اسد تقویت میشود. هم اکنون یک ستاد عملیاتی تحت نام ستاد هماهنگی اطلاعاتی متشکل از روسیه و جمهوری اسلامی و دولت عبادی در بغداد تشکیل شده است و نیروهای نظامی جمهوری اسلامی وارد سوریه شده اند. اما از سوی دیگر با وارد شدن نیروی سنگین وزنی

نظیر روسیه موقعیت جمهوری اسلامی تحت الشعاع قرار میگیرد و به یک بازیکن فرعی در اوضاع سوریه تبدیل میشود. در اجلاس ماه گذشته سران کشورها در سازمان ملل اوپاما اعلام کرد که حاضر به مذاکره و همکاری با روسیه و جمهوری اسلامی برای حل و فصل بحران سوریه است اما اکنون با اقدام نظامی مستقیم روسیه، اولاً نفس مذاکره و همکاری به حاشیه رانده میشود و ثانياً حتی اگر هنوز مذاکره و دیپلماسی جائی داشته باشد موضوع محوری آن رابطه بین روسیه و غرب خواهد بود و جمهوری اسلامی نقشی در آن نخواهد داشت. فیل وارد اتاق شده است و جائی برای مانور دولتهائی نظیر جمهوری اسلامی باقی نگذاشته است. فاکتور مهم دیگر اینست که همجهتی و هم پیمانی جمهوری اسلامی و روسیه از سطح مانورهای سیاسی در شرایط منطقه فراتر نمیرود. جمهوری اسلامی نمیتواند نه از لحاظ استراتژیک و توازن قوای جهانی و نه از نظر اقتصادی روی روسیه، آنهم یک روسیه متخاصم با غرب، حساب باز کند. جمهوری اسلامی در عین روابط نزدیک با روسیه زیر فشار تحریمهای اقتصادی غرب که با توافق و همراهی روسیه اعمال میشد، ناگزیر به امضای توافق هسته ای شد و اکنون تنها راه شکستن بن بست و انزوای اقتصادی خود را در ادامه روابط با غرب جستجو میکند. این شرایط حتی اگر بر اساس سیاستهای اعلام شده دولت روحانی به نزدیکی بیشتر با غرب منجر نشود لااقل تنها راه برون رفت از بن بست اقتصادی حکومت، که به اعتراف مقامات دولتی پس از رفع تحریمها حتی بدتر و وخیم تر هم شده است، مستلزم تعامل و روابط تجاری بیشتر با غرب است. به این دلیل به نظر من سرنوشت دخالتگری روسیه در سوریه و بلوک هم پیمان او هر

ناسیونالیسم عظمت طلب روس و بحران سوریه

از صفحه ۶

چه باشد بحران استراتژیک- اقتصادی جمهوری اسلامی را نه تنها تخفیف نخواهد داد بلکه وخیم تر خواهد کرد.

انترناسیونال: عکس العمل غرب نسبت به دخالتگری حمید تقوایی: غرب گزینه

های زیادی ندارد. همانطور که در بیانیه حزب نیز گفته شده عکس العمل آمریکا و متحدینش از تبلیغات ضد روسی، اعمال فشارهای دیپلماتیک و اقتصادی - شبیه مورد اوکراین - و شدت بخشیدن به عملیات نظامی که هم اکنون در سوریه انجام میدهد، فراتر نخواهد رفت. غرب اگر میتوانست سیاست فعالتری در پیش بگیرد قبل از تعرض نظامی روسیه چنین میکرد و جایی برای این تعرض باقی نمیگذاشت. حمله نظامی روسیه ادامه سیاستهای تاکتونی او در

قبال رژیم اسد است و غرب نیز کماکان به سیاستهای کنونی اش، حال با شدت و دامنه بیشتری، ادامه خواهد داد. اوپاما بعد از حمله روسیه به مخالفینش در حزب جمهوریخواه یادآوری کرد که این دوره بازگشت به جنگ سرد و رقابت ابرقدرتها نیست. این را بی شباهتی به دوره جنگ سرد را حتی در سطح تبلیغاتی نیز ما شاهد هستیم. اساس انتقاد دولت آمریکا به مداخله نظامی روسیه اینست که در حمایت از رژیم اسد و علیه نیروهای تحت حمایت غرب عمل میکند. اما این افشاکری از اهداف روسیه تحصیل حاصل است چون حمایت روسیه از رژیم اسد امر تازه و مخفی ای نیست. آخرین بار در اجلاس سالانه سازمان ملل پوتین علنا اعلام کرد که باید از رژیم اسد در برابر "نیروهای تروریست" حمایت کرد. از سوی دیگر پوتین حمله نظامی به سوریه را تحت پوشش مبارزه با داعش انجام میدهد و این پوشش تا حد زیادی حتی از

نظر تبلیغی اردوگاه غرب را خلع سلاح کرده است. از هم اکنون مقامات و رسانه های آمریکائی از نوعی هماهنگی نظامی بین نیروهای دو کشور در سوریه و در عملیات علیه داعش صحبت میکنند. چنین به نظر میرسد که پرچم "مبارزه با تروریسم" از بوش به پوتین منتقل شده و اکنون نوبت بورژوازی روس است که تحت لوای مقابله با داعش و دیگر نیروهای اسلامی مخالف اسد، سیاست هژمونی طلبانه خودش را به پیش ببرد. در آن دوره هیات حاکمه روسیه در صندلی عقب نشسته بود و اکنون دولت آمریکا به عقب رانده میشود.

انترناسیونال: عواقب مداخله نظامی روسیه برای مردم سوریه و منطقه چیست؟ برای حل مساله سوریه چه باید کرد؟

حمید تقوایی: اولین نتایج، تشدید بمبارانها و عملیات نظامی روسیه و آمریکا و نیروهای تروریستی وابسته به آنها در سوریه است. و این یعنی تشدید شرایط فاجعه بار زندگی توده مردم این کشور.

اخیرا کارشناسان نظامی در غرب اعلام کرده اند که شکست نیروی مانند داعش، که خود در واقع حاصل لشکرکشیهای دولت آمریکا و متحدینش به خاورمیانه است، نزدیک به یک دهه وقت لازم دارد. دخالتگری نظامی روسیه تنها میتواند این مدت را طولانی تر کند. شرایط فاجعه بار سوریه و عراق و افغانستان و یمن، دست پخت سیاستهای میلیتاریستی دولت آمریکا و متحدینش و افسار گسیختگی دولتها و نیروهای اسلامی و قومی است که در اوضاع بهم ریخته خاورمیانه میدانی برای عرض اندام و قدرتمانی یافته اند. اکنون روسیه نیز با اقدام نظامی خود به یک بازیگر اصلی این شرایط سیاه تبدیل میشود. این اقدام بحران سوریه را تخفیف نمیدهد بلکه آنرا تشدید میکند.

ما همیشه تاکید کرده ایم که حل بحران سوریه و کلا شرایط فاجعه بار امروز خاورمیانه، از کانال نیروها و دولتهائی که خود موجد این شرایط بوده اند نمیگذرد. این نیروها - از رژیم اسد و جمهوری اسلامی و نیروهای رنگارنگ اسلامی گرفته تا دولتهای غربی و روسیه و همپیمانانشان - جزء صورت مساله بحران خاورمیانه هستند و نه راه حل آن.

راه حل در دست مردم است. در حال حاضر جنبشی در خاورمیانه در حال گسترش است که میتواند در حل بحران سوریه به نفع توده مردم آن کشور نیز نقش مهمی داشته باشد. در یکسال اخیر در مبارزات مردم کردستان سوریه و مقاومت قهرمانانه مردم کوبانی علیه داعش، در اعتراضات مردم ترکیه علیه دولت اردوغان، و در ماههای اخیر در لبنان و بویژه در عراق ما شاهد شکل گیری یک جنبش رادیکال و

سکولاریستی علیه نیروها و دولتهای قومی مذهبی هستیم که در صورت برخورداری از یک رهبری انقلاب و چپ میتواند در جابجایی بساطت نیروهای اسلامی و دولتهای قومی مذهبی و کوتاه کردن دست دولتهای غربی و روسیه از منطقه خاورمیانه نقش تعیین کننده ای داشته باشد. امروز دیگر جنبش ضد مذهبی و سکولاریستی منحصر به جامعه ایران نیست بلکه دیگر کشورهای اسلامزده در خاورمیانه را نیز در بر میگیرد. از سوی دیگر در سطح جهانی یک جنبش چپ و ضد کاپیتالیستی که با جنبش اشغال شروع شد و آخرین بروازات آن جنبش ضد مذهبی "من چارلی هستم" در ژانویه امسال و جنبش دفاع از پناهجویان در ماه جاری است، در حال گسترش است که میتواند بعنوان یک نیروی موثر در حمایت از جنبش سکولاریستی مردم خاورمیانه عمل کند.

روشن است که این اتفاقات خود بخود نخواهد افتاد. شرط بالفعل شدن هریک از این "میتواند" ها دخالت فعال نیروهای کمونیست مانند حزب ما در تعمیق و رادیکالیزه کردن و متعین کردن هر چه بیشتر این جنبش و معرفی و نمایندگی کردن آن در سطح جهانی و جلب و بسیج نیروهای مترقی و آزادیخواه در همه کشورها در حمایت از آن است. مردم منطقه و جهان تنها قربانی سیاستهای دولتها هژمونی طلبی و قدرتی آمریکا و روسیه و افسار گسیختگی دولتها و نیروهای اسلامی و قومی نیستند، بلکه میتوانند و باید علیه این نیروها سر بلند کنند و بمیدان بیایند. این تنها راه حل انسانی بحران سوریه و شرایط فاجعه بار در خاورمیانه است.

انترناسیونال: با تشکر از حمید تقوایی
۷ اکتبر ۱۵

چه کسی از نمایشگاه کتاب فرانکفورت باید اخراج شود؟

سلمان رشدی یا جمهوری اسلامی؟

عوض شده است. ظاهرا یادش نیست که بدنال ترور کارکنان چارلی ابدو میلیون ها نفر علیه تروریسم اسلامی و در دفاع از آزادی بیان از جمله دست انداختن مذهب به خیابان آمدند و گفتمان مربوط به آزادی بیان را عوض کردند و جلو دست درازی دولت های غربی نسبت به آزادی بیان را هم گرفتند. متوجه نیست که کنار گوشش در سراسر عراق مردم در ابعادی میلیونی با شعار نه سنی نه شیعی سکولاریسم و حکومت مدنی به میدان آمده اند.

از نظر هر منطق و عقل سالمی! حکومتی که فتوای قتل یک نویسنده را داده است باید از نمایشگاه کتاب اخراج شود نه سلمان رشدی.

۴ اکتبر ۲۰۱۵

وزارتخانه شان اقرار کرده است که نگاه دینی و فرهنگ دینی یعنی صدور فتوای قتل بجرم نوشتن يك كتاب! پس این دین يك مشکل دارد! داعش و بوکوحرام و طالبان هم نگاه دینی به زن و کودک و بشر دارند و نگاه دینی هیچگاه کمرنگ نخواهد شد!

اما صالحی درست تشخیص داده است. دعوت از سلمان رشدی يك حرکت سیاسی است. اما این خود جمهوری اسلامی بود که مساله «سلمان رشدی» را سیاسی کرد. رشدی يك نویسنده بود داشت کارش را میکرد. رهبر جمهوری اسلامی فتوای قتلش را داد و او را سیاسی کرد و دعوت از او هم سیاسی محسوب میشود! صالحی اما يك نکته مهم را تشخیص نداده است. اوضاع

اصغر کریمی

«صالحی معاون فرهنگی وزارت ارشاد، به حضور سلمان رشدی در نشست خبری نمایشگاه کتاب فرانکفورت اعتراض کرد و گفت: اساسا این حرکت را که توسط این نمایشگاه برنامه ریزی شده و از جمله خط قرمزهای نظام جمهوری اسلامی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به شمار میرود حرکتی غیرفرهنگی می دانم. فتوای خمینی در این موضوع نگاهی دینی است و هیچگاه کمرنگ نخواهد شد.»

طبق ادعای این مقام جمهوری اسلامی، دعوت از سلمان رشدی يك حرکت غیر فرهنگی و فتوای قتل او يك حرکت فرهنگی است! ایشان و



اول شروع بکارش، موافقت نامه امنیتی با آمریکا را به امضا رساند. سپس برای هموار کردن ادامه این سیاست، توافقنامه امنیتی با پاکستان مطرح شد. سپس پروسه صلح با "برادران طالب" اجرایی و علنی شد.

افزایش قدرت عملیاتی تروریستهای طالب و داعش رعد و برق در آسمان بی ابر نیست. رشد سرسام آور افراط گرایی مذهبی و باز گذاشتن دست همه سازمانهای اسلامی نتیجه عملی سیاستهای ارگ ریاست جمهوری است. تصرف قندوز توسط طالبان که از آن بعنوان مهمترین پیروزی این گروه در ۱۴ سال اخیر نام برده میشود بارزترین نمونه ضعف و ناتوانی دولتی در مقابله با تروریسم سازمان یافته است. در جنوب، مناطقی در ولایت هلمند، در شهرستان موسی قلعه، باغران، کجکی، نوزاد، سنگین و در شمال در دشت ارچی و چاردره جولانگاه طالبان است. حضور محسوس داعش در ۲۴ استان از ۳۴ استان کشور از دیگر تهدیدات امنیتی است که مردم بی پناه مستقیماً و با دست خالی با آن مواجه اند.

تنظیم رابطه با پاکستان و طالبان بدون بازگذاشتن دست مذهب در زندگی مردم امکان پذیر نیست. بستن مدارس دخترانه، مسموم کردن دانش آموزان دختر، حمله نظامی مستقیم به ادارات آموزشی و درموردی ترور آموزگاران، بخشی از حضور اجتماعی انواع دار و دسته های تحت تنظیمات متنفذین مذهبی است که مافیای فاسد دولتی مستقیماً در بسیاری از آنها همدست و شریک جرم است. زن آزاری و اجرای قوانین شریعه عمدتاً برای سرکوب زنان بخشی دیگر از اعمال قدرت این جریان است.

کارنامه عملی دولت وحدت ملی در افغانستان

سیامک بهاری

۴۰۰ هزار نفر نیروی جوانی که سالانه بعنوان جوینده کار وارد بازار راکد اقتصادی کشور می شوند را در بر میگیرد که هیچگونه تأمینی برای ادامه بقای خود و خانواده شان ندارند. نه تنها فرصت شغلی ایجاد نمی شود که با تعطیلی واحدهای تولیدی نرخ بیکاری ابعاد وحشتناکی بخود می گیرد. به این مجموعه باید فساد و رشوه خوری همه گیر را نیز افزود. افغانستان از این نظر در رده فاسدترین سیستم های اداری و دولتی

است. خروج این نیروها عملاً سبب کاهش چشمگیر در میزان کمک های مالی خارجی و هم به تعطیلی کشیده شدن بسیاری از رشته هایی که در جوار احتیاجات جاری این نیروها شکل گرفته، شده است. ظاهراً ناامنی، سبب وضعیت مصیبت بار اقتصادی کشور است. اما حقیقت این است که ناامنی خود معلول سیاستها و منافع اقلیت تبهکاری است که سکان قدرت سیاسی کشور را در دست دارد.

افتاده است. ریاضت اقتصادی تنها کلید و راه حل برای سودآور کردن سرمایه و جلب سرمایه های خارجی و راضی کردن سرمایه داران داخلی، عملاً به بن بست رسیده است. تعطیلی کسب و کار در سطحی عمومی بدون اینکه روزنه ای از بهبود، حتی در آینده ای دور مشاهده شود، امید به راه افتادن چرخ اقتصاد را به یاس جدی بدل کرده است. ناامنی، خزانه خالی و کسر بودجه های هنگفت، فرار سرمایه و نیروی

یکسال از مضحکه انتخابات پنج میلیارد دلاری ریاست جمهوری در افغانستان و بر سر کار آمدن آنچه که در کشمکش رقابتها و چانه زنی ها و تقلب های جنجالی دو قطب مافیایی برای کسب قدرت، ناگزیر دولت "وحدت ملی" خوانده شد، می گذرد.

برای میلیونها مردمی که بی پناه به دست حوادث سپرده شده اند و در بدترین وضعیت در طی چهارده سال گذشته با گرسنگی و فقر، بیکاری و گرانی گسترده و عفريت جنگ از هر سو روبرو هستند، از ابتدا هم کل این حاکمیت مافیایی نقطه امید و اتکا نبود. همه دروغهای انتخاباتی از ایجاد شغل و مسکن و ارزانی تا بهبود وضعیت اقتصادی کشور تا تامين امنيت و مبارزه با فساد، تماماً دود شد و هوا رفت.

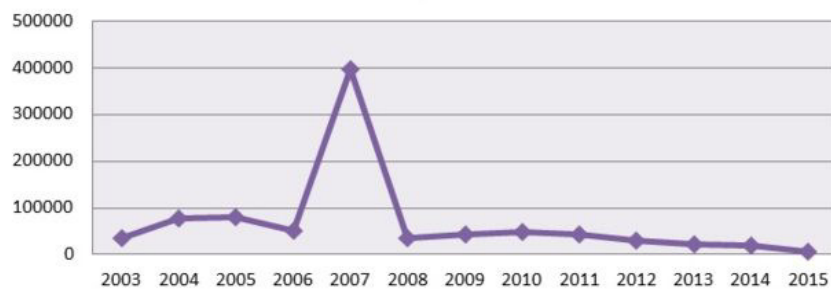
مشروعیت سیاسی این دولت از آغاز باطل بود. نه به این دلیل که تحت قیمومیت آمریکا و ناتو و فشارهای بین المللی، طرفین دعوا بر سر تقسیم قدرت به توافق ضمنی رسیدند. در اساس این حاکمیت چه با توافق و وحدت و چه بدون آن، از بنیاد ذره ای از حقوق پایه ای مردم را نه تنها نمایندگی نمیکرد بلکه تماماً علیه آن بود.

شاخص های اقتصادی، یکسال پس از انتخابات

آنچه پس از فرونشستن غبار وعده های انتخاباتی بجا مانده است، حاکی از افلاس و ورشکستگی اقتصادی در سطحی ناباورانه است. بحران اقتصادی افغانستان حاصل بحران و خامت سیاسی حاکم بر کل کشور است.

اقتصادی که علیرغم کمکهای وسیع خارجی و بموازات حضور نیروهای نظامی اندکی توان رشد داشته از بنیاد بر اساس دکترین صندوق بین المللی پول و بانک جهانی پی ریزی گردید، به نفس های آخر

رشد استخدام نیروی کار



جبلد بالا که از سوی سازمان آمار کشور افغانستان سالنامه های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۳ و بانک جهانی در سال ۲۰۱۵ منتشر شده است، بخوبی افت جذب نیروی کار جدید و اشتغال زایی کشور را نشان میدهد. این وضعیت دردناک ثمره تحمیل ریاضت اقتصادی برای سرپا نگهداشتن سرمایه داری محترض و فاسد در افغانستان است. بیگانگی عمیق کلیه دستجات حاکم بر کشور با منافع جامعه، سبب متلاشی شدن زندگی میلیونها نفر و مهاجرت خیل عظیمی از جوانان کشور گردیده است.

جهان قرار دارد. طبق آمار موسسات معتبر بین المللی سالانه رقم حیرت انگیز ۴ میلیارد دلار در چرخه فساد مالی در کشور و عمدتاً در قراردادهای دولتی بصورت رشوه جابجا می شود.

بخش وسیعی از کشور کماکان فاقد انرژی الکتریسته است و نیروی برق برای راه اندازی ماشین آلات کوچک تولیدی هم موجود نیست. اقدامات دولت در زمینه سد سازی، برق کشی انتقال گاز و جاده سازی بجز تبلیغات و هیاهو عملاً نتیجه محسوسی به بار نیاورده است. تراز اقتصادی کشور به رقم منفی ۸۲۰۹ میلیون دلار رسیده است!

شاخص های سیاسی دولت وحدت ملی

دولت وحدت ملی در ۴۸ ساعت

ریاضت اقتصادی تنها نسخه آنها برای سودآور کردن سرمایه در افغانستان است. علیرغم این، رکود تورمی شدید اما دست از سر سرمایه داران کوچک و بزرگ برنمیدارد. گفته میشود ۳۰ درصد سرمایه داران متوسط و ۱۵ درصد از سرمایه داران بزرگ به سبب رکود تورمی فلج کننده رو به ورشکستگی اند. از حدود بیش از ۴۰۰۰ کارخانه در کشور کمتر از ۱۲۰۰ کارخانه با مشکلات بسیار و با اندک توان به کار مشغولند.

۴۰ درصد بخشهای کوچک اقتصادی و ۵۰ درصد کارگاههای کوچک از کار بازمانده و تعطیل گردیده اند. برابر آمارهای رسمی، بیکاری فلج کننده بیش از ۳ میلیون نفر، قطعاً رقم واقعی بیکاری چندین برابر آمار اعلام شده است، به اضافه

کار، روند تداوم نزولی رشد اقتصادی را سریعتر کرده است. میراثی که از ابتدا "کنفرانس بن" چه در سطح سیاسی و اجتماعی و چه اقتصادی بنیان نهاد اینک با فروپاشی جدی روبروست. در نبود قدرت و حاکمیت مردم برای اداره جامعه، خروج قوای نظامی از کشور سبب تکانهای شدید اقتصادی گردیده است.

علیرغم این که گفته میشود حدود ۹ میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار توسط سرمایه داران بخش خصوصی در افغانستان سرمایه گذاری شده است اما یکی از پارامترهای عمده در چرخش اقتصاد بیمار کشور، کمک های بین المللی و سوخت و ساز نیروهای نظامی خارجی است. بیش از ۹۰ درصد تولید ناخالص داخلی کماکان به اشکال مختلف به مساعدتهای مالی بین المللی وابسته

اعتصابات کارکنان و معلمین در شهرهای کردستان عراق



نسان نودینیان

شیعی نه سنی سکولاریسم" بیش از دو ماه است شروع شده است.

فضای پر التهاب و اعتراضی مردم عصبانی از دولت فاسد، از دخالت مذهب در زندگی آنها، علیه باندهای تروریست مذهبی و علیه ناامنی اجتماعی در ابعاد سراسری در دهها شهر در عراق، از شمال تا جنوب و مرکز، امید و افق دفاع از زندگی، مدنیت، کرامت و حرمت انسانی را تقویت کرده است.

با گسترش اعتراضات مردم سلیمانیه دهها نهاد مدنی، از جمله: نویسندگان، شاعران، هنرمندان، احزاب سیاسی و فعالین سیاسی در یک اقدام هماهنگ "سازمان هدایت اعتراضات" را سازماندهی کرده اند. از ششم اکتبر (۱۴ مهرماه) چندین حزب سیاسی و مدنی با فراخوانی مشترک از اعتصابات کارکنان و معلمان حمایت کرده اند. در این فراخوان آمده است:

«با تشکل و اتحاد میتوانیم خواست و مطالباتمان را به حاکمان در قدرت تحمیل کنیم. بحران سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کنونی در کردستان برآمده از حاکمیت حکومت اقلیم در کردستان است. در شرایط کنونی جنگ و کشمکش های اقلیم کردستان با دولت مرکزی و جنگ با داعش از عوامل فشارهای بیشتری بر مردم کردستان، است. اوضاع کنونی آینده مردم در شهرهای کردستان را پر مخاطره تر از گذشته کرده است. در بیست و چهار سال گذشته تا کنون احزاب در قدرت در کردستان برابر به ستم و نابرابری های مردم کردستان، نا مستولانه برخورد کرده اند. شرایط نا امن و پر مخاطره در شهرهای کردستان، بیکاری بیش از صد هزار نفر، عدم امکانات خدماتی، ازدیاد موج آوارگی جوانان، پرداخت نکردن حقوق ها، فساد مالی و ازدیاد فقر زندگی عادی را بر مردم تنگ تر

کرده است. علیه شرایط کنونی مردم و شهروندان در شهرهای کردستان اعتراض کرده اند. ما، جمعی از سازمان های سیاسی، تشکل های مدنی، شخصیت های سیاسی و اجتماعی و روشنفکر از زاویه احساس مسئولیت حق زندگی و معیشت و برای تامین آینده ای روشن برای شهروندان در کردستان و به منظور هدایت سازمانیافته اعتراضات "سازمان هدایت اعتراضات" را ایجاد کرده و مطالبات زیر را بعنوان خواسته های پایه ای اعلام میکنیم؛

- ۱- پرداخت حقوقهای ماهانه بصورت منظم به تمام حقوق بگیران، پرداخت حقوق ماههای ۷، ۸ و ۹.
۲. تامین خدمات اجتماعی از جمله برق، آب سالم شرب. امکانات سوخت برای تمام شهروندان.
۳. درمان و طب رایگان، تامین امکانات پزشکی در بیمارستانها، بهبود در سیستم سلامتی.
۴. پایان دادن به فساد و معرفی آنها به دادگاه.
۵. پایین آوردن حقوق کسانیکه در رده های بالا قرار گرفته اند و در عوض افزایش حقوق کسانیکه در رده های پایین هستند.
۶. پرداخت و تامین بیمه بیکاری و ایجاد فرصت های شغلی برای شهروندان در کردستان.
۷. معرفی لیست اسامی کسانیکه در نسل کشی (نه نفال) شرکت داشته اند، به دادگاه.
۸. آزادی بیان، آزادی برپایی تظاهرات و اعتصاب و تشکل های از مردم، از احزاب و تشکلهای می خواهیم ما برای تحقق این مطالبات همراه شوند.

از حکومت اقلیم می خواهیم فوری خواسته های اعلام شده را عملی کنند»

اسامی تعدادی از لیست بیست

و نه تشکل: تشکل خانه نشینان - جمعیت دفاع از زندانیان سیاسی کردستان - سازمان توده ای حزب شیوعی کردستان (سلیمانیه) - نهاد آزادی جامعه کردستان - اتحاد کمونیستها - حزب چپ کردستان - حزب کمونیست کارگری کردستان - حزب زحمتکشان کردستان - اتحادیه سراسری محصلین کردستان - جمعیت زنان کردستان - اتحادیه جوانان کردستان - تشکل صنفی معلمان کردستان - مرکز دفاع از حقوق کودکان کردستان - تشکل کارگران ساختمانی در کردستان - شاخه کردستان فدراسیون سراسری پناهندگان در عراق - تشکل زنان آزاد.

اما جامعه کردستان و صف بندی احزاب سیاسی و حاکم نیز نیازمند بررسی و تعمق بیشتری است.

جنگ و دعوای احزاب ناسیونالیستی در کردستان عراق امری آشنا است. حزب دموکرات در یکسال گذشته در بحران تمدید زمان ریاست "مسعود بارزانی" قرار گرفته است. در کشمکش های درونی رئیس پارلمان کردستان عراق اعلام کرد که "تصمیم مجلس شورای قضایی در تمدید مدت زمان ریاست "مسعود بارزانی" بر اقلیم غیر الزام آور بوده و هیچگونه مشروعیت قانونی ندارد". این تصمیم از بالا و تشدید اختلافات درونی جناحهای احزاب ناسیونالیست قدر قدرتی و حاکمیت خودگمارده مسعود بارزانی را با چالشی سیاسی روبرو کرد. ناراضی توده ای مردم از "رهبر" بودن مسعود بارزانی در اشکال مختلف آزمون بزرگ مردم علیه این حزب بود. مسعود بارزانی و حزب

دموکرات کردستان عراق مترصد باز پس گرفتن این عدم مقبولیت هستند.

اتحادیه میهنی کردستان عملاً به حزب حلقه بگوش جمهوری اسلامی تبدیل شده است. انزوای سیاسی این حزب در انتخابات گذشته، شکاف های جدی در صفوف این حزب ایجاد کرده است.

اتحادیه میهنی به نوبه خود تلاش میکند در اعتصاب و اعتراضات دوره کنونی چهره ملایم تری از خود به نمایش بگذارد. بیشترین اعتصابات در حوزه حاکمیت اتحادیه میهنی است. شهر سلیمانیه مرکز سیاسی اتحادیه میهنی است. در این شهر که بیشترین اعتصابات در جریان است بیش از سه ماه است حقوق بخش اعظم معلمان و کارکنان اداری پرداخت نشده، و در شرایطی که اعتصابات علیه اتحادیه میهنی است، اما تلاش این حزب بر محور دخالت و کاستن از رادیکالیسم اعتصابات است.

در این نوشته مجال پرداختن به احزاب گوران یا تغییر، احزاب اسلامی نیست امیدوارم در فرصت های بعدی به ماهیت و موقعیت این احزاب بپردازم.

ایجاد دسته "سازمانده هدایت اعتراضات"، حمایت بیست و نه سازمان، تشکل سیاسی از اعتصابات کارکنان خدماتی، دادگاه ها، معلمان و بیمارستانها اقدامی مهم و رو بجلو است. اعلام خواست های پایه ای گامی مهم برای تضمین تداوم اعتراضات در شرایط کنونی است.

۱۵ مهر ۱۳۹۴ - ۱۷ اکتبر ۲۰۱۵

به مناسبت ۱۰ اکتبر، روز جهانی علیه اعدام

قرار داد.

ما از تمام نیروهای آزادیخواه و برابری طلب و انساندوست می‌خواهیم که به هر شکل که می‌توانند علیه اعدام، علیه حکومت‌های اعدام و جمهوری اسلامی که سهم قابل توجهی در اعدام‌ها در کل جهان دارد، دست به اعتراض بزنند. این روز تریبون اعتراضی بشریتی است که علیه بریت اعدام تلاش می‌کند. بساط اعدام را در هر کجای این کره خاکی باید در هم شکست، فریادهای لغو مجازات اعدام، لغو تمامی احکام اعدام صادر شده، برچیدن چوبه‌های دار باید به فریاد بشریت متمدن در این روز تبدیل شود.

مرگ بر جمهوری اسلامی، حکومت اعدام و ترور و شکنجه!

کمیته بین‌المللی علیه اعدام
۱۸ اکتبر ۲۰۱۵

کشاندن جامعه و مقابله با مبارزات حق طلبانه مردم است. اعدام اقدامی برای مصون داشتن جامعه از جرم و جنایت نیست. در هیچ جامعه‌ای جاری کردن مجازات اعدام به جرم و جنایت کمتر منجر نشده است. برعکس نفس وجود اعدام خود عاملی در جهت تشدید قتل و جنایت در جامعه بوده است. اما حتی اگر اعدام به کاهش قتل و جنایت در جامعه‌ای منجر میشد این اقدام ضد انسانی را بخاطر شنيع بودن آن باید برچید. اعدام اقدامی در جهت اجرای عدالت نیست. اعدام انتقام است، انتقامی کور و ضد انسانی. هیچ سیستم قضایی که ذره‌ای برای جان انسانها ارزش قائل باشد نمیتواند حکم قتل کسی را صادر کند. عدالت نمیتواند بر مبنای اعدام و نابودی انسانها استوار شود.

خواست لغو مجازات اعدام در ایران يك خواست توده‌ای و گسترده است. يك جنبش قوی علیه اعدام در ایران جریان دارد. باید با تمام قوا این جنبش را در سطح بین‌المللی مورد حمایت

۱۰ اکتبر روز جهانی علیه اعدام است. ۱۰ اکتبر را به روز اعتراض جهانی علیه اعدام و رژیم اعدام، رژیم اوین و گوهردشت و کهریزک، رژیم چوبه‌های دار تبدیل کنیم.

هر روز عده‌ای را به جرم محاربه با خدا، اقدام علیه نظام، مفسد فی الارض، قاچاق و یا حتی مصرف مواد مخدر، رابطه جنسی خارج از مقررات اسلامی و... اعدام میکنند. میزان این اعدامها در دولت روحانی و بطور مشخص در ماههای اخیر افزایش یافته است. اعدام يك رکن پایه‌ای حفظ و تدوام حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی است. مبارزه علیه اعدام نیز يك رکن مبارزه برای خلاصی از حکومت اسلامی و يك رکن مبارزه برای جامعه‌ای انسانی است.

اعدام مجازات نیست، جنایت است. هیچ عذر و بهانه‌ای نمیتواند توجیه گر این عمل شنيع و ضد انسانی باشد. اعدام يك اقدام سازمان یافته و از پیش طرح ریزی توسط دولت و قتل عمد دولتی است. هدف از اعدام ایجاد ارباب، کنترل و به انقیاد

کارنامه عملی دولت وحدت ملی در افغانستان

از صفحه ۸

دولتی برای تامین منافع غرب طی این مدت، از سرشت همراهی و هم جیتی با توازن قوای امریکا و دول غربی در منطقه است. همسویی که بر اساس چشمانداز این حکومت به کمک‌های اقتصادی و نظامی و امنیتی به این کشورها شکل گرفته است.

در سیاست داخلی بیگانگی حکومت مرکزی با نیازهای مبرم مردم، خود را در تداوم بی‌عملی در قبال وضعیت فلاکت‌بار مردم نشان میدهد. ضعف دولت مرکزی و رشد متنفذین مذهبی، احزاب اسلامی که بعنوان مجری قانون در گوشه و کشور عملاً قدرت را در دست دارند و با اجرای قوانین شریعه کنترل مردم را در دست دارند خود را نمایان میکنند. وفور دستجات مسلح محلی وابسته به متنفذین محلی یکی دیگر از ره‌آورد های مصالحه مافیایی با دولت مرکزی بر سر تقسیم قدرت محلی است.

از سوی دیگر، مافیای مواد مخدر به‌بخشی از قدرت سیاسی و اقتصادی فراتر از مرزهای افغانستان بدل شده است. پا به پای وخامت اوضاع اقتصادی، کشت و تولید تریاک جایگاه ویژه‌تری در اقتصاد غیر رسمی کشور باز می‌کند و دامنه فساد سیاسی را گسترده تر می‌کند.

موقعیت استراتژیک افغانستان بعنوان سه راهی آسیای میانه، تنظیم رابطه سیاسی و امنیتی با پاکستان و هندوستان را بعنوان دو رقیب دیرینه در منطقه، بسیار حساس می‌کند. این خود یکی دیگر از فرصت‌های سیاسی دولت "وحدت ملی" است. امضای طرح تفاهم نامه امنیتی با سازمان اطلاعات مرکزی پاکستان (آی‌اس‌آی) و کنار آمدن با طالبان همانطور که انتظار میرفت سبب سرعت عملیات تروریستی و وسیع در سراسر کشور گردید. اعلام مرگ ملا عمر رهبر کارismatic طالبان که میتوانست يك موقعیت استثنایی برای ضربه زدن به این جریان تروریستی باشد، به فرصتی برای ابراز تاسف و تسلیت به بازماندگان او و در پاره‌ای موارد به برگزاری مجالس بزرگ و علنی برای بزرگداشت او حتی در کابل زیر نظر دستگاه امنیتی منجر شد. حمله سازمان داده شده به پارلمان افغانستان ضربه دیگری بعنوان قدرت نمایی نظامی طالبان در کابل به نوبه خود نقطه عطف دیگری در بهم خوردن توازن قوای حکومتی و طالبان محسوب می‌شود.

دوری از جمهوری اسلامی و نزدیکی به عربستان سعودی، از دیگر موضوعگیریهای منطقه‌ای

آیا امنیت به افغانستان باز می‌گردد؟

امنیت در همه ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آن یکی از چالشهای تعیین کننده در جامعه افغانستان است. مساله زندگی میلیونها مردم ستمدیده و مصیبت زده‌ای است که بیش از سه دهه است گرفتار دست‌انواع درندگان جهادی و تنظیمی و طالب‌اند. از دست جنایتکاری رها شده و در چاه جنایتکار دیگری سقوط کرده‌اند. جهنم جمهوری اسلامی افغانستان با مردمی پا در گریز برای نجات جان و زندگی خود، در پی يك دنیای بهتر یکی از بزرگترین گروههای مهاجر و پناهنده در جهان را بخود اختصاص داده‌اند. برای این مردم صورت مساله کاملاً روشن است. امنیت یعنی پایان مآضات با تبهکاران جهادی و طالب و تنظیمی، خاتمه دادن به فساد گسترده سیاسی و اقتصادی دولتی. امنیت یعنی کار، شغل، مسکن، درمان، بهداشت، آموزش و رفع تبعیض و نابرابری و آزادی انتخاب!

حکومتهایی چه از نوع کرزایی و چه از جنس اشرف غنی و عبدالله نه انتخاب مردم بوده‌اند و نه مطالبات و خواستههای مردم را نمایندگی کرده‌اند. اینجا فقط اراده مردم است که به این محنت بی‌انتها نقطه پایان می‌گذارد.

در ماجرای حزن‌انگیز قتل فجیع فرخنده، قدرت و اراده مردم، در

مقابل ارتجاع کف بر دهان آورده متجلی شد. دستگاه قضایی و اجرایی کشور يك شبه عقب رانده شد. مردمی متمدن، مدرن و سکولار با خواسته‌هایی انسانی، بیدار آمدند تا کراحت مذهبی نهفته در قوانین و سنن حاکم بر جامعه را افشا کنند. جامعه به این نسل، به این تعرض، به این شجاعت برای پیشروی اش نیازمند است. نسلی خوشفکر از زنان و جوانانی که نه به سنت‌های دست‌پاگیر زنجیر شده‌اند و نه ذره‌ای منفعت در تداوم نابرابری و فساد و سلطه مذهب دارند. قربانیان، خود منجیان تغییرند. این راه و این نسل، این غول زیبا خود را از شیشه رهانیده است! مقابله و اعتراض با نابرابری و تبعیض، زن‌آزاری و بی‌حقوقی را

اجتماعاً باید سازمان داد. چاره کار فقط با اعتراضات وسیع اجتماعی و پس زدن خیمه شب بازی ناتو و متحدینش، جمع کردن دکان تجار دین و کوتاه کردن بساط قوانین اسلامی میسر است. تمامی احزاب اسلامی چه در قدرت و چه در اپوزیسیون، امتحان پس داده‌اند و تهدیدهای بالفعل و بالقوه برای رفاه و سعادت مردمند. در این کارزار، احزاب کمونیستی، چپ و سکولار باید پرچم تعرض را برافراشته نگه‌دارند و نقش تاریخی خود را برای عملی شدن رنسانس سیاسی و اجتماعی در افغانستان ایفا کنند. تضمین امنیت در تضمین ادامه مبارزه با دستگاه فاسد حکومتی و قوانین و سنن منحط و عقب مانده است.

www.wpiran.org

سایت حزب:

www.rowzane.com

سایت روزنه:

www.newchannel.tv

سایت کانال جدید:

www.anternasional.com

نشریه انترناسیونال:

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: بهروز مهرآبادی

همکاران: سیامک بهاری، نسان نودینیان

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود